

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال چهارم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۰ - شماره پیاپی ۱۴

تحلیل سبک‌شناسی منظومه شاهین تورات

(ص ۷۵ - ۵۷)

محسن محمدی (نویسنده مسئول)^۱، فاطمه قیومیان محمدی^۲
تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۲/۳
تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۵/۸

چکیده:

«شاهین تورات» نام صورت منظومی از تورات به زبان فارسی و خط عبری است که شاعر ناشناسی به نام یا نام شعری «شاهین» در سال ۵۷۲۸ ه. (۱۳۵۹ م.) آن را در بحر هزج مسدس محذوف و با مطلع زیر به نظم کشیده است:

«به نام آنکه عالم را بنا کرد به خود آوارگان را رهنما کرد»

این کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۸۲ ه. (۱۹۰۳ م.) توسط شیمعون حاخام، با همان خط عبری، به چاپ رسید و سرانجام با وجود کمیابی نسخه‌های موجود، منوچهر خوبان (مُشه فرزند شعبان)، آن را برای استفاده عموم، از خط عبری به خط فارسی برگرداند و در سال ۱۳۷۸ ه. (۱۹۹۹ م.) در آمریکا به چاپ رساند.

این اثر شامل اسفار پنجگانه تورات است که به شیوه دیگر منظومه‌های فارسی، با مناجات باری تعالی آغاز میشود و به خاتمه‌ای از زبان شاعر و این بیت پایان می‌پذیرد:

«هزاران آفرین از نزد سبحان به روح پاک موسی ابن عمران»

از آنجا که این اثر در حوزه نظم فارسی و ادبیات این سرزمین قرار می‌گیرد و بررسی و پژوهش در باب آن میتواند راهگشای دیگر تحقیقات درباره نظم فارسی در قرن هفتم و هشتم هجری باشد، این مقاله در نظر دارد تا ضمن معرفی بیشتر این اثر، به این پرسش پاسخ دهد که ارزشها و ویژگیهای سبکی این اثر کدام است و جایگاه ادبی این اثر در حوزه ادبیات فارسی کجاست.

کلمات کلیدی:

تورات، نظم فارسی، فارسیهود، نقد محتوایی، نقد سبک‌شناسی.

۱ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان. Fesharaki_311@yahoo.com

۲ - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی. Ghavoormian.m@gmail.com

پیشگفتار:

در مورد ادبیات فارسی-یهودی (فارسیهود^۱) تحقیقات اندکی صورت گرفته است و این باب با انبوهی از ناگفته‌ها و ناشنیده‌ها برای پژوهشگران باز است. تحقیقات ژیلبر لازار و پس از او آمنون نتصر^۲ در این زمینه از تلاشهایی است که برای معرفی آثار فارسیهود به صورت علمی انجام شده است و هر جای دیگر اگر سخنی در این باب آمده، معمولاً نقل گفته‌های این دو محقق است.

در این مجال به بررسی اجمالی منظومه شاهین تورات که از آثار تأثیرگذار در این حوزه به شمار می‌رود، پرداخته شده است. برای بررسی سبک‌شناسی این اثر، که در ۸۱۳ صفحه به چاپ رسیده، به عنوان نمونه مورد بررسی یکصد صفحه از آغاز، میان و پایان کتاب انتخاب شده و تمام شاهد‌های ذکر شده، از این صفحات است.

منظومه شاهین تورات، از آثار قرن هشتم هجری است. ولی بیش از آنکه با ویژگیهای سبک عراقی-که سبک معمول این قرن است- همخوانی داشته باشد، با مختصات سبک خراسانی هماهنگ است و آن را میتوان از نمودهای سبک خراسانی در قرن هشتم هجری دانست. در این نوشتار ذیل مختصاتی که از ویژگیهای سبک خراسانی بوده است به نمونه-هایی از این ویژگیها در اشعار سبک خراسانی، به نقل از کتاب «سبک خراسانی در شعر فارسی»، اشاره شده و به دنبال هر یک، نمودهای آن ویژگی در شاهین تورات آمده است. این نکته نیز شایان یادآوری است که بعضی از ویژگیهای سبکی که در این مقاله برای شاهین تورات ذکر شده است با ویژگیهای دیگر متون فارسیهود مشترک است (برای مثال ر.ک. مقاله «منتخبی از واژگان فارسیهود سفر پیدایش تورات واتیکان»، یس اسموسن: ۱۵۱-۱۶۸).

مقدمه

جمعی از یهودیانی که در زمان بختنصر^۳، به بابل و مناطق تحت سلطه حکومت ایران رانده شده بودند، با به قدرت رسیدن کوروش کبیر به فلسطین بازگشتند (۵۳۹ق.م)؛ اما

1- Judeo-Persian

2- Amnon Netzer

3- بختنصر یا نبوکد نصر، پادشاه کلد، در سال ۵۸۶ق.م. یهوایقیم پادشاه یهود را اسیر کرد و معبد سلیمان را غارت نمود و ده هزار تن از بزرگان و اعیان واهل حرف و صنایع یهود را به اسارت به بابل آورد (خلاصه ادیان، مشکور: ۱۳۱).

گروهی از آنان در ایران ماندند.^۱ طبیعی است که یهودیانی که در ایران ساکن شدند به زبان ایرانیان سخن میگفتند؛ و البته زبان فارسی از آنجا که مهمترین زبان ایرانیان به شمار میرفت، در فعالیت‌های فرهنگی و ترجمه کتاب مقدس و نگارش متون ادبی مورد توجه یهودیان قرار گرفت. آنان بیشتر آثار خود را به زبان فارسی و خط عبری مینوشتند. امروز زبان‌شناسان به این متون «فارسیهود» میگویند.^۲ متون فارسیهود به لحاظ زبان‌شناسی یکدست نیست و با توجه به محل تألیف متون فارسی موجود، میتوان در آنها مشخصه‌های لهجه‌ای را مشاهده کرد (فارسی-یهودی، نغزگوی کهن). ولی به اعتقاد ژیلبر لازار، «فارسیهود» به هیچ وجه شاخص نوع ویژه‌ای از فارسی نیست که به شیوه‌ای استوار آن را از فارسی کلاسیک متمایز سازد. نوع خاصی از گویش فارسی که متعلق به یهودیان ایران باشد نه وجود دارد و نه هرگز وجود داشته است (ر.ک. گویش‌شناسی فارسیهود، لازار: ۱۳۵).

ادبیات یهود ایران، شاخه‌ای از ادبیات فارسی است که شعر، بخش مهمی از آن را تشکیل میدهد. اشعار فارسیهود بیشتر در قالب مثنوی است، اما سایر شکلهای شعر فاسی نیز در میان آنها وجود دارد. از میان شاعران یهودی ایران، «مولانا شاهین» که اسفار پنجگانه تورات^۳ را به نظم درآورده است، نام و آوازه‌ای دیگر دارد. دومین شاعر بزرگ یهودی ایران، «عمرانی» است که آثار بسیاری از خود به جا گذاشته است. «خواجه بخارائی»، «بابائی بن لطف» و نوه‌اش «بابائی بن فرهاد»، «الیشع بن شموئیل» (راغب)، «یوسف بن اسحاق»، «بنیامین بن میثائیل» (امینا)، «سیمانطوب ملمد» (طوبیا)، «یهودا بن داوید» و... از دیگر شاعران پارسی‌گوی یهود هستند (برای آگاهی بیشتر در اینبار ر.ک. سیری در ادبیات یهود ایران، نتصر: صص ۵۲-۹۶).

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره تاریخ یهود در ایران ر.ک. مقاله «سیری در تاریخ یهود ایران»، امنون نتصر. در پادیاوند، ج ۱، صص ۱-۳۹ و کتاب «تاریخ جامع یهودیان ایران»، از حبیب لوی که به وسیله هوشنگ ایرانی نیز بازنویسی شده است (صرف معرفی این منابع نشانه تأیید همه محتوای آنها از سوی نویسندگان این مقاله نیست).

۲. در «فارسیهود» در برابر ۲۲ حرف فارسی ۲۲ حرف عبری قرار دارد و این کمبود حروف، خواندن و نوشتن آثار «فارسیهود» را مشکل کرده است. البته پاره‌ای از این مشکلات با قرار دادن علامت و نقطه گذاری رفع شده است (ر.ک. آفرینندگان فارسیهود، ربیعی و نیز سیری در ادبیات یهود ایران، نتصر: ۴۶-۴۹).

۳. نام عبری اسفار پنجگانه تورات از این قرار است: سفر آفرینش: «پربشیت» به معنی «در آغاز»، سفر خروج: «شیموت» به معنی «نام‌ها»، سفر لاویان: «ویقرا» به معنی «خواند یا ندا کرد»، سفر اعداد: «بمیدبار» به معنی «درباره مردمان» و سفر تثنیه: «دیفاریم» به معنی «کلمات». تمام این نام‌ها اولین واژه‌های است که هر سفر با آن آغاز میشود (المسیری، ج ۵: ۹۰-۹۱).

شاهین:

آمنون نتصر، محقق و دانشمند معاصر، در کتاب «منتخب اشعار فارسی از آثار یهودیان ایران» که در سال ۱۳۵۲ خورشیدی در تهران به چاپ رسیده است، درباره شاهین چنین مینویسد:

«شاهین نخستین شاعر یهودی است که به فارسی شعر سروده است. شاهین را میتوان از لحاظ قدمت، کیفیت و کمیت شعری، سرآمد و رهگشای همه شاعران یهود دانست. از نام عبری و زندگی او اطلاعی در دست نیست» (شیمعون حاخام، مقدمه شاهین تورات). در بسیاری از نسخه‌های خطی، کاتبان او را «مولانا شاهین شیرازی» مینامند در حالی که نه بدرستی زادگاهش معلوم است و نه استادان او مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. عده‌ای هم او را اهل کاشان دانسته‌اند. آمنون نتصر در یکی از مکالمات شخصی خود اظهار داشتند که به نظر ایشان امکان دارد که مولانا شاهین اهل بلخ بوده باشد (شوفط، مقدمه شاهین تورات). شعرای یهود در اشعار خود غالباً او را ستوده‌اند و عموماً از سبک او پیروی کرده‌اند. خواجه بخارائی (۱۶۰۶ م.) درباره وی به خود میگوید:

«به شاهین هم‌رهی کی میتوانی تو گنجشک ضعیفی ناتوانی» یکی از آثار شاهین، «اردشیر نامه» است که در قالبی حماسی سروده شده است و ده هزار بیت دارد. وی در این اثر، داستان اردشیر (بهمن) و ملکه استر^۱ را با اقتباس از کتاب مقدس به نظم کشیده است. کتابی به نام «عزرا نامه» نیز دارد که از کتاب عزرای نبی گرفته شده است (آفرینندگان فارسیه‌ود، ربیعی).

شاهین تورات

دو اثر دیگر شاهین که مجموعاً کتاب «شاهین تورات» را تشکیل میدهند و در این نوشتار مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، یکی «موسی نامه» است که در سال ۷۲۸ ه. ق. (۱۳۱۷ م.) سروده شده و چهار سفر از اسفار پنجگانه را شامل میشود و دیگری «بریشیت نامه» (آفرینش نامه) است که سفر آفرینش یا تکوین در آن به نظم در آمده است و آخرین اثر شاهین به شمار میرود (آفرینندگان فارسیه‌ود، ربیعی).

شاهین، سبب آغاز نظم کتاب را چنین تصویر کرده است:

«شب‌ی بنشسته بودم فارغ از خواب در آمد از درم دولت که بشتاب چرا بنشسته‌ای حیران و بیکار ببر رنجی پس آنگه گنج دست‌آر

۱ - سفر استر، جزئی از کتاب‌های اندرز و حکمت و سرودهای عهد عتیق به شمار میرود که درباره نجات قوم بنی اسرائیل به وسیله استر است و یهودیان به همین مناسبت در عید پوریم (۱۴ و ۱۵ آدار) جشن میگیرند (المسیری: ج ۵).

به پیشم ناگهان یک درج بنهاد
وز آن جا داد یک گوهر به دستم
در او دیدم به آب زر نوشته
که یا شاهین چرای بی فارغ از کار
خرد را ما به تو همراه کردیم
سعادت گیر و هان غافل نباشی
به دستت در چنین گنجی نهادم
پنا در لحظه با تورات بردم
از آن گلزار گل چندی بچیدم
بکردم چند بیتی نظم موزون

سرش را پیش من در لحظه بگشاد
به پیشش در زمان آن را شکستم
بر آن تاریخ سالی پر گذشته
خردمندی کن و ره توشه بردار
تو دانی چون تو را آگاه کردیم
که تا با بار و خرد در گل نباشی
در رحمت به رویت برگشادم
بی‌اوردم نهادم پیش در دم
یک از صد بیش و کم زان گل گزیدم
مبارک باد بر ایام میمون»

وی اذعان میکند که این اثر به تمامی از تورات گرفته شده و همه تفسیر و شرح تورات است و کلامی مجازی نیست که در آن همچون منظومه‌های دیگر سخن از عشق و عشقبازی باشد:

«نه چیزی کان بود بهر مجازی
همه تفسیر و شرح است این سراسر
فلانی با فلان در عشقبازی
کلام حق گواه اینک برابر»

به این ترتیب شاهین کار خود را از کتاب «شموت»، دومین سفر از اسفار پنجگانه، شروع میکند و سپس «ویقرا»، «بمیدبار» و «دواریم» را به نظم میکشد آنگاه پس از گذشت سی سال، کتاب اول تورات یعنی «بریشیت» را به رشته تحریر در می‌آورد؛ و به سال ۱۳۹۹ م. شاهین تورات به اتمام میرسد (شوفط، مقدمه شاهین تورات). آفرینش نامه، بلندترین بخش این منظومه است و تقریباً چهارصد صفحه اول شاهین تورات به آن اختصاص دارد. شیمعون حاخام برای نشر این تورات منظوم، آن را در ابتدای شاهین تورات آورده است.

شاهین در ابتدای منظومه خود (آفرینش نامه)، سبب نظم کتاب و انگیزه خود را از این کار شرح میدهد. گویا روزی در مجلسی با دوستان خود نشست بود که یکی از ایشان وی را به سرودن سفر اول و کامل کردن نظم تورات، ترغیب و تشویق میکند. چرا که وی پیش از آن، چهار سفر دیگر تورات را سروده بود و هیچ‌کس نتوانسته بود سفر اول را به همان ترتیب به نظم درآورد:

«تو را حق داده بود آن چیز بهره
که گردد گرد این گنج خطرناک
نشد از آن کسی را زور و زهره
اگر خود باشد او دانای افلاک

تو را در گردن افتادست این کار بیاید کردنت ای پیر هشیار
 که تا نامت بماند در زمانه بود تا روز محشر این نشانه
 بگو از آفرینش‌های عالم ز آدم تا به موسی حال عالم»
 شاهین سخن دوست خود را میپذیرد و نظم کتاب اوّل را به توفیق الهی شروع میکند:
 «ایا شاهین درآ مستانه در کار نه بهر سیم و زر از بهر جبار
 طمع در شعرگفتن چون نداری بپردی گوی دولت مرد کاری»

ساختار و محتوا

شاعر دو کتاب آفرینش و خروج را به مقدمه‌ای در نام و یاد خداوند و مناجات حق و مدح حضرت موسی(ع) آغاز میکند و داستان چگونگی شروع نظم تورات و سبب آن را بیان میکند، اما سه کتاب دیگر تورات مقدمه‌ای به این شکل ندارد. وی مدیحه کوتاهی نیز در مدح سلطان ابوسعید ایلخان مغول سروده که در ابتدای کتاب دوم تورات(سفر خروج) آورده است. ناشر این کتاب آن را در انتهای شاهین تورات چاپ کرده است تا خللی در مبنای کتاب تورات وارد نشود. این مدیحه با دو بیت زیر است:

«معظم شاه سلطان ابن سلطان بهادر بوسعید آن جانشین خان»
 «سعادت یار بادش تا قیامت بخوبی ختم کارش بر سلامت»

مطالب اصلی مطرح شده در این اثر به طور فهرستوار و خلاصه از این قرار است:

کتاب پیدایش در دوازده فصل، شامل موضوعات زیر:

- مقدمه از شاعر / مناجات باری تعالی / مدح کلیم الله / در سبب نظم کتاب / در آغاز کتاب / آفرینش در شش روز / سجده نکردن شیطان بر آدم / روز هفتم - شنبه / درباره بهشت و ماجرای آدم و حوا / قابیل و هابیل / شت پیامبر / هاروت و ماروت / پیداشدن نور موسی(ع) / نوح / وصف فرزندان نوح / نمرود / داستان ابراهیم و لوط / اسماعیل و اسحاق / یعقوب / ایوب / یوسف / ختم کتاب به زبان شاهین (در باره توفیقی که خداوند نصیب او کرده و شکر باری تعالی، وصف هنر و ستایش خویشتن، شکایت از دشمنان، امید به نجات یهود، دعا و طلب عفو از خداوند و درخواست یاد نیک از خوانندگان کتاب).

کتاب خروج در یازده فصل، شامل مطالب زیر:

- مناجات حق / مدح کلیم الله / سبب به نظم در آوردن تورات و شرح داستان سرودن اشعار / آغاز کتاب / داستان فرعون و منجمان و تولد موسی / موسی(ع) / معجزات موسی / غرق شدن فرعون / رسیدن شعیب و کلیم الله به یکدیگر / ده فرمان و نزول تورات / گوساله پرستی بنی اسرائیل / بنا کردن خیمه موعود توسط کلیم الله.

کتاب لاویان^۱ در سه فصل.

کتاب اعداد در هفت فصل:

- آرزو کردن بنی یعقوب اطعمه مصری را / نبوت الداد و مداد / ناخشنودی حق از بنی یعقوب / قارون / وفات حضرت مریم / وفات هارون / جنگ بنی یعقوب با کفار / نبرد سپاهیان موسی با سپاه سیحون / کشته شدن شاه سیحون به دست یوشع نبی و کشته شدن عوج به دست موسی (ع) / داستان بالاق و بیلعام / پینهاس
کتاب تثنیه در دو فصل:

- نصیحت موسی به بنی یعقوب / وصیت موسی (ع) / وعده وفات از جانب حق و جان دادن موسی (ع) / در کشف اسرار (پاسخ به این سؤال که چرا موسی به کنعان نرسید؟) / پرورش بنی یعقوب در بیابان / در ختم کتاب از زبان شاهین خطاب به خویشان (نصیحت خویش و پند و اندرز و صفت دنیا و زمانه، ستایش قناعت، توصیف روزگار خویشان، دوری از دنیا و مرگ و رهایی با توجه به داستان طوطی و بازرگان، داستان اسکندر و بنی اسرائیل و سخن در نیک و بد و طلب عفو از پروردگار).

شاهین در پایان اکثر داستانها، در دو یا سه بیت خود را مورد خطاب قرار داده و زبان به موعظه و عبرت دادن خویش می‌گشاید. نمونه‌هایی از این پندها در اینجا نقل میشود:

ایا شاهین کسی در غم نماند	حقیقت ریش بی‌مهرم نماند
خدای ما خدای کارسازست	رحیم و مهربان و بی‌نیاز است (شاهین تورات: ۳۵۶)
engan برتاب شاهین از زمانه	که دوران با کسی باقی نمانه
خدا هست آنکه او باقی بماند	که اسرار خلایق جمله داند (شاهین تورات: ۶۲۰)
ایا شاهین تواضع کن همیشه	از آن مگذر بکن آن کار پیشه
تواضع کن ز کبر و ناز بگذر	که چیزی از تواضع نیست بهتر (شاهین تورات: ۴۱)

ویژگیهای سبکی

بطور کلی میتوان گفت که یکی از ویژگیهای ترجمه‌های منظوم کتاب مقدس و نیز شاهین تورات، نابسامانیهای عروضی و مشکلات متعدّد قافیه است. در این شاهین تورات بندرت به ظرایف و نکته پردازیهای ادبی برمیکوریم و کاربرد زیباییها، آرایه‌ها و صنایع بدیعی و بلاغی اگرچه در این اثر دیده میشود، اما هرگز در فصاحت و بلاغت به پای آثار سخن- پردازان بزرگ ادب پارسی نمیرسد.

۱ - لاویان، خادمان و حاجبان معبد (هیكل) بودند که بر امور ذبح و قربانی نظارت داشتند (المسیری: ج ۴).

واژه‌ها و ترکیبات:

در منظومه شاهین تورات با وجود سادگی و روانی متن، گاه به واژه‌هایی بر میخوریم که از جهتی برجسته و قابل توجه است چنانکه ذهن خواننده برای لحظه‌ای با آن درگیر میشود. برجستگی این واژه‌ها یا از جهت کهنگی آنهاست (که البته در زمان خود شاعر ممکن است بسیار ساده و معمول بوده باشد). یا از جهت غریب و ناآشنا بودن. غرابت این واژه‌ها گاه به خاطر عبرانی بودن و ارتباط آن با فرهنگ یهود است. بدون شک رویارویی با کلمات عبرانی و اصطلاحات مربوط به فرهنگ یهود برای خواننده‌ای که با این مقوله ناآشنا باشد تأمل برانگیز است. گاه نیز واژه بطور کلی نامفهوم و مبهم است و معنای مشخصی ندارد و این مسأله هم البته ممکن است به خاطر اشتباه برگرداننده آن به خط فارسی رخ داده باشد که با توجه به این که هیچ نسخه دیگری از این اثر به خط فارسی در دست نیست نمیتوان درباره آن بطور قطع قضاوت کرد.

ترکیبات یا واژه‌هایی نیز در این منظومه به چشم میخورد که گمان میرود ساخته و آفریده ذهن شاعر باشد. واژه‌هایی هم هست که در معنایی جز آنچه ما میشناسیم به کار رفته‌اند یا برخلاف قیاس استفاده شده‌اند مثلاً اسم در معنای صفت و به جای آن آمده است. همانطور که پیش از این نیز اشاره شد مشخصه‌ها و ویژگیهای مربوط به یک لهجه یا گویش خاص نیز چنانچه مشخصه تمام آثار فارسی‌هود است، در این اثر دیده میشود. از این رو به نظر میرسد که برجستگی برخی از واژه‌ها که تنها در ظاهر با معادل امروزی خود اختلاف جزئی دارند از جهت ارتباط آنها با لهجه یا گویشی خاص باشد. در اینجا به نمونه‌هایی از هر گروه اشاره میشود:

الف) واژه‌های کهن:

گوش داشتن: نگه داشتن، حفظ کردن، نگاهبانی کردن (حواشی دکتر معین بر برهان قاطع).
 «تو را با اهل بیتت گوش دارم به خوبی تا به گردون سر برآرم» (شاهین تورات: ۴۵)
 «ندانستید چونش گوش دارید ایا سرگشتگان اندر چه کارید» (شاهین تورات: ۷۸۴)
 بوته: ظرفی را گویند که از گل ساخته شده باشد و طلا و نقره و امثال آن را در آن بگدازند.
 معرب آن بوته است و به عربی خلاص گویند (برهان قاطع).

چو اندر بوته ریزندش بریزد به یک جو معرفت زو بر نخیزد (شاهین تورات: ۸۰۱)
 دادر: به فتح ثالث بر وزن مادر، به لغت ماوراءالنهر به معنی برادر باشد (برهان قاطع).

گناه اندرجهان باشد ازاین بیش که میریزی تو خون دادر خویش (شاهین تورات: ۳۶)
 زمین با خون دادر با تو شد یار از آن گشته در این نفرین گرفتار (شاهین تورات: ۳۶)

بیور: به کسر اول و فتح ثالث بر وزن زیور به معنی ده هزار است (برهان قاطع).
 بجوشیدند حوران جمله یکسر فزون صد ده از هفتاد بیور (شاهین تورات: ۷۸۵)
 ایوار: با ثانی مجهول بر وزن دیوار وقت عصر باشد که «نماز دیگر» ش نیز گویند (برهان قاطع).
 نتابید آفتاب از چرخ دوار برایشان یکدمی هرشمس و ایوار (شاهین تورات: ۷۹۹)
 منا و سلوه شان هر روز دو بار بباریدی پگاه و صبح و ایوار (شاهین تورات: ۷۹۹)
 کیله: پیمانه ای باشد که بدان غله و آرد و چیزهای دیگر پیمایند (برهان قاطع).
 فرو رفت آسمان در خم نیله ز دیده خون همیبارد به کیله (شاهین تورات: ۷۸۲)

ب) واژه‌های عبرانی:

صوریم و تامیم: دعای عبرانیان برای شخص از دست رفته (خوبان، پانویس شاهین تورات).
 همیخوانند بر او صوریم و تامیم شما را میکنند این شیوه تعلیم (شاهین تورات: ۷۸۶)
 سیفرا: «سفر» و «سیفر» به زبان عبری به معنی کتاب است و به کتاب‌های عهد عتیق گفته میشود (المسیری، ج ۵: ۸۷).
 شنیدیمان به یک سیفرا ز تورات ز بهر امتحان ماندی تو او را (شاهین تورات: ۵)
 آدار: ماه دوازدهم عبرانی، تولد حضرت موسی و رحلت او در روز هفتم این ماه اتفاق افتاد (خوبان، پانویس شاهین تورات).
 به روز هفتمین از ماه آدار بیامد در جهان آن نیک کردار

ج) واژه‌ها یا ترکیباتی که معنای آنها روشن نیست:

دشت کوران:

به کم خوردن قناعت کن چو موران مشو پر خور تو اندر دشت کوران (شاهین تورات: ۸۰۳)
 بز ریش:
 فکنده بز ریشی رهبانه بر دوش کشیده یک قبایی بر سر و دوش (شاهین تورات: ۴۰۵)
 فرو تاسیده:
 برفتند همچو یخ در پیش فرعون فرو تاسیده سرهنگان ملعون (شاهین تورات: ۴۱۱)
 معات:
 چنان گنجی به دست آمد شما را پر از لعل و معاتی آشکارا (شاهین تورات: ۷۸۴)
 مونته آور:

خطاب آمد به نوح از پیش داور (شاهین تورات: ۴۴)	چو گشتند آن درختان مونته آور خَب کردن ^۱ :
به هستی خویش راگردان نشانه دراوبنشین و خوش میباش و خب کن (شاهین تورات: ۸۰۲)	بر آور خلوتی اندر زمانه چو سیمرغ در جهان کنجی طلب کن شکون:
نسازی با کسی بر عهد و پیمان (شاهین تورات: ۷۸۱)	شکونی نیستت با این و با آن (د) ترکیبات تازه که به نظر میرسد آفریده ذهن شاعر باشد:
قناعت را کمر چون مور بسته است (شاهین تورات: ۸۰۲)	کارستان دنیا: ز کارستان دنیا دست شسته است کارستان دوران:
جهان وارو بگشت از رسم و قانون (شاهین تورات: ۸۰۳)	که کارستان دوران شد دگرگون دل پریشان:
شد از تشنیع یاران دل پریشان (شاهین تورات: ۷۹۷)	نبی چون دید آن فریاد از ایشان دل نوازی:
گشادش کارگاه حقه بازی (شاهین تورات: ۴۰۵)	چو شیطان زو بدید این دلنوازی دل دوست:
که پنداری دو مغز بودند و یک پوست (شاهین تورات: ۲۶)	چنان با یکدگر گشتند دل دوست ه) ترکیبات فعلی:
یکی آه از جگر بالا کشیدش (شاهین تورات: ۴۰۱)	آه بالا کشیدن:
کسی تان قامت از هم وانماند (شاهین تورات: ۷۷۸)	چو فرعون جمله را از دور دیدش وانماندن: تشخیص ندادن (نگارنده).
چو بی آدم بود بنشسته تنها فریب آن بت عیار کردن (شاهین تورات: ۲۷)	به بالای قدش تو راست ماند فریب کردن:
خرامان شو کنون بردار آهنگ (شاهین تورات: ۷۹۷)	تو را باید شدن نزدیک حوا ابا او نکته‌ای در کار کردن آهنگ برداشتن:
مبر آیت در او آتش در او باد (شاهین تورات: ۸۰۵)	خطاب آمد کلیما سوی آن سنگ آیت در چیزی بردن: نبندی دل بر او خاکی است برباد

۱ - در گویش نیشابور ، خب کردن بمعنای پنهان شدن است . ضرب المثل : دَوْنَه رَو و گپ گو ، خادَتِ پَی تَل و خَب کُو .

و) کاربرد خلاف قیاس واژه‌ها (اسم در معنای صفت):

پرخاش:

به زخم چوب و سنگش همچوخشخاش
سر و پاشان به ضرب چوب خشخاش

همیکردند آن دونان پرخاش (شاهین تورات: ۴۳)
بگردانید ایا گردان پرخاش (شاهین تورات: ۴۰۲)

فرهنگ:

عصا را بی‌مه‌بابا پیر فرهنگ
زگرد ره برآمد زد بر آن سنگ (شاهین تورات: ۷۹۷)

ز) کاربرد واژه‌ها در معنایی تازه:

پریشان:

بدی او مسکن و مأوای ایشان
محکم:

به عالم در نگشتندی پریشان (شاهین تورات: ۷۹۸)
چو آن بی‌آبی محکم در آن راه

معتبر:

دو سنگ معتبر بگرفته در دست
نوشیدن:

همی زد بر خود آن چون فیل سرمست (شاهین تورات: ۷۹۲)
بر این باغ طوبی را بنوشید

ح) کاربرد واژه «پی» به معنای «بار» و «دفعه»:

بزائیدی به هر پی ماده و نر
ندانستم که یک پی رنج بینیم

چنین بخشش بد او را داده داور (شاهین تورات: ۳۴)
میان آتش سوزان نشینیم (شاهین تورات: ۲۶)

ط) کاربرد واژه «ره» به معنی «بار» و «دفعه»:

جوابش داد شیطان کای برادر
بدو قادر دگر ره گفت ای شوم

به یک ره سوختم از پای تا سر (شاهین تورات: ۲۶)
تو را از رحمت ما نیست معلوم (شاهین تورات: ۱۷)

ی) واژه‌هایی که نشانگر لهجه‌ای خاص هستند:

نابی: نابی.

در آن دم چون که نابی را ربودند
بجایی: بجوی.

برفتند بال و پرها بر گشودند (شاهین تورات: ۷۸۶)
چنان کز درد انگشتان بجایی (شاهین تورات: ۳۱)

به سختی و به دشواری بزایی

کوهنی: کاهنی.

ز دیگر سو العازار سرور
لباس کوهنی بدریده در بر (شاهین تورات: ۷۹۰)
رو: را.

به دورش حوله‌ها رو برکشیدند
آدم: آدم‌ها.
زغم آن جمله افغان برکشیدند (شاهین تورات: ۷۸۵)

سراسر آدمائی نام‌بردار
هژبران ویلان هول و جبار (شاهین تورات: ۴۱)

نمونه جالبی از این مورد را میتوان در برخی از ترکیبهای اضافی این منظومه دید
بطوریکه به جای کسره اضافه که برای ساختن ترکیبهای اضافی به کار می‌رود، از مصوت
بلند «ای» استفاده شده است^۱:

- به جنت بود یک زیبا درختی
بری او بود اصل زندگانی
- به چشمی دولت خود خاک کردی
بری او درخور هر نیکبختی
نکوتر از حیات جاودانی (شاهین تورات: ۲۷)
لباس عافیت را چاک کردی (شاهین تورات: ۳۰)

فعلها:

الف) استعمال مصادر صناعی:

- «ز خار و زخاشاک و شاخ درخت
یکی آتشی بر فروزید سخت» (فردوسی)
- «تو سازیدی این هفت چرخ روان
ستاره معلّق زمین در میان» (اسدی)

در تمام این نمونه‌ها، در ساختمان فعل ماضی از بن مضارع فعل استفاده شده است. این
افعال در دستور زبان فارسی غریب و بی‌قاعده است. و اما مثال از شاهین تورات:

نه من شان را بر عصیان آفریدم
جهان تاریک شد زین گرد تیره
نه هم بهر گنهشان پروریدم (شاهین تورات: ۴۲)
که انگیزیده‌ای ای چرخ خیره (شاهین تورات: ۷۸۱)
بر ایشان گفت فرعون وارهیدید
و یا از گفته خود پس جهیدید (شاهین تورات: ۴۰۲)

ب) شناسه «یمان» و «یتان»:

نمونه جالب و قابل توجهی از استعمال افعال در شاهین تورات فعلهایی است که با
شناسه «یمان» و «یتان» برای اول شخص و دوم شخص جمع در دو زمان ماضی و مضارع
به کار رفته اند. شاید کاربرد این افعال به گویش یا لهجه خاصی مربوط باشد. ویلهلم باخر

۱ - این صورت اضافه که در شاهین تورات دیده میشود، یکی از ویژگی‌های زبان عبری است. این ویژگی لهجه‌ای در لهجه مردم اصفهان و گویش‌های رایج در این استان هنوز هم به همین صورت به کار می‌رود.

نیز به این ویژگی در آثار شاهین به عنوان تنها ویژگی دستورزبانی آنها اشاره کرده است (ر.ک. گویش شناسی فارسیهود، لازار: ۱۴۳).

- شنیدیمان به یک سیفرا زتورات
- یکی کز ما نیابد هیچ نقصان
- ولی فردای محشر جمله با او
- به اقبال تو گفتند ای سرافراز
- رسیدیمان ز خدمت بازگشتیم
- زبهر امتحان ماندی تو او را (شاهین تورات: ۵)
- نباشیمان حقیقت ما چو ایشان (شاهین تورات: ۴۰)
- رویمان سوی کنعان با تک و پو (شاهین تورات: ۷۹۸)
- نیچیمان ز آتش روی خود باز
- به درگاه ملک دمساز گشتیم (شاهین تورات: ۴۰۲)

ج) ساختمان فعل امر و نهی در شاهین تورات:

۱) همی / می + بن مضارع:

- چو گندم خورده‌ای گندم همی کار
- از او می کار و می خور تا که پیری
- همی رو بر زمین زین پس شوی خم
- ۲) (ب) + بن مضارع + یتان / یدان:
- سوی پستی روان گردید زافلاک
- در آیتان به کشتی وقت کاراست
- بدانیتان شما باید در این دم
- ۳) فعل نهی + یاء تحذیر:

- نبندی دل بر او خاکی است بر باد
- مبر آیت در او آتش در او باد (شاهین تورات: ۸۰۵)

۴) بن مضارع + شناسه‌های معمول (صورت معمول و عادی فعل امر و نهی):

- نویسداندر آن القاب و نامم
- گذشتم زین سخن با خود بدانید
- که خندان شد به گیتی صبح و شامم (شاهین تورات: ۸۰۵)
- غم و اندیشه از خاطر برانید (شاهین تورات: ۴۰۱)

د) کاربرد صیغه مضارع «شایستن» و «بایستن»:

- به باطل در جهان بودن نشاید
- که بی‌اومان جهان و جان نباید
- هرآن کوراکه نیکی را نشاید
- بر او مغرور گشتن می‌نباید (شاهین تورات: ۸۰۱)
- بود بی وصل او ما را نشاید (شاهین تورات: ۷۹۸)
- ز افعال بد خود سر ببازد (شاهین تورات: ۳۱)

ه) کاربرد «یاء» استمراری:

در شاهین تورات:

هر آن آشی که بودی او طلب کار
فرشته آمدی هر شب به پیشش
بخوردی ضربت محکم به هر روز
بکردی نوحه و زاری و فریاد

بدی گشتی به دستانش پدیدار (شاهین تورات: ۸۰۰)
بمالیدی بر او پره‌های خویشش (شاهین تورات: ۴۳)
به سر بردی چنان با ناله و سوز
نبودش در جهان یک روزدل شاد (شاهین تورات: ۴۳)

و) کاربرد فعل ماندن به صورت متعدی:

الهی داد من بستان از ایشان
پس آنکه گفت از درشان برانید
نمانمتان یکی بر جا به دنیا

نمان باقی یکی زان زشت کیشان (شاهین تورات: ۴۴)
از ایشان کس دگر پیشم نمانید (شاهین تورات: ۴۰۲)
یقین از مرد و زن از پیرو برنا (شاهین تورات: ۸۰۶)

ضمایر:

الف) آوردن ضمیر منفصل شخصی برای غیر ذی روح:

به تاب اندر چو زد بر وی عصا را
همه در حسرت آن بوم زیبا
ب) جا بجایی ضمیر متصل اضافه:
ز توبه یک به یکشان باز دارم
نمی‌آمد ز همشان شرمساری
برفتی در شکستیمان پر و بال

روان شد چشمه‌ها از سنگ خارا (شاهین تورات: ۷۹۷)
که بودند از پس او ناشکیبا (شاهین تورات: ۷۹۸)
چنین اندیشه شان در دل نیارم (شاهین تورات: ۱۷)
به دل گرمی همیکردند یاری (شاهین تورات: ۲۴)
به هجراندرشدیمان زاروبی حال (شاهین تورات: ۷۸۷)

ج) آوردن ضمیر متصل به جای حرف اضافه و متمم:

که ایزد در ازل فرموده بودش
بر آن سان خوردن و پوشش چنان بود

مر این اسرارها بنموده بودش (شاهین تورات: ۷۹۷)
عطاهاشان چنان بود داده معبود (شاهین تورات: ۸۰۰)

د) آوردن ضمیر متصل اضافه به جای متمم:

اباشان راند شیطان را دگرهم
چو آن جمع ملک کردند پیوند
جز ایشان کار زیبا کس ندارد

که رفت او از پی حوا و آدم (شاهین تورات: ۳۲)
پدید آمد زشان بسیار فرزندان (شاهین تورات: ۴۱)
کسی باشان نیارد دم بر آرد (شاهین تورات: ۸۰۳)

ه) به کار بردن ضمیر متصل به جای ضمیر منفصل مفعولی:

به فضل خود به جنتشان در آرم
تومان بفرست از اینجا سوی عالم
بدادیمان به هر چیزت شرافت

در آنجا جاودانشان من بدارم (شاهین تورات: ۱۸)
دو سه روزی میان نسل آدم (شاهین تورات: ۴۰)
به نور خویشمان کردی اضافت (شاهین تورات: ۳۹۴)

و) به کار بردن ضمیر متصل مفعولی به جای ضمیر منفصل + را:

بده بر آدم و نسلش مرا دست
ببرشان پس نکوشان را بپرداز
به چاووشان خودشان را حواله
گر این یعقوبیان بر جا نیارند

که تاشان را کنم از معصیت پست (شاهین تورات: ۱۶)
از آن‌ها کشتی مرغوب برساز (شاهین تورات: ۴۵)
بکرد و گفت هر روز این قباله
سر مویی از ایشان بر نمانند (شاهین تورات: ۴۰۲)

حرف اضافه:

الف) آوردن دو حرف اضافه برای یک متمم (حرف اضافه دوگانه):

کار برد این نوع حرف اضافه در شعر سبک خراسانی معمول بوده است (سبک خراسانی در شعر فارسی، محبوب: ۲۵۱):

«به جعدش اندر سیصد هزار پیچ و گره
«ورا زار بر خاک بر خفته دید
در شاهین تورات:

به جای هر گره او شکنج و حلقه هزار» (فرخی)
تن خفته از زخم آشفته دید» (فردوسی)

به جنت در همه بودند دل شاد
به فکر / ندر فرو شد با دل ریش
به تاب / ندر چو زد بر وی عصا را
(ب) ابا / ابر:

ابا هم روز و شب چون سرو آزاد (شاهین تورات: ۲۴)
زمانی آن پلید و شوم بدکیش (شاهین تورات: ۴۰۰)
روان شد چشمه‌ها زان سنگ خارا (شاهین تورات: ۷۹۷)

در شعر سبک خراسانی:

«با ضربت و زور و بازوی او
«بریدم شب تیره و روز روشن
در شاهین تورات:

چه ضایعتر از درع و برگستوان» (عنصری)
ابا رنج بسیار و بس ناتوانی» (منوچهری)

ندارد نسبتی آتش / بر خاک
/ با شیطان دون گشتی چرا یار
/ با او کرد خورشید آشنایی

که آتش زهر باشد خاک تریاک (شاهین تورات: ۱۴)
به قول او چرا کردی چنین کار (شاهین تورات: ۳۰)
بداد از نورخویشش روشنایی (شاهین تورات: ۷۸۰)

سایر مختصات:

الف) آوردن علامت جمع فارسی بر سر کلماتی که در عربی جمع شمرده میشوند:

در شعر سبک خراسانی:

گر نعم‌های او چو چرخ دوان
به بستان فضایل‌ها مهتا
در شاهین تورات:

همه خواب است و باد بافره (رودکی)
به میزان بدیهستان ممیز (بدیع بلخی)

که ایزد در ازل فرموده بودش
 (ب) جمع به «ان» برخلاف قیاس:

ز حیوانان نبودش هیچ همسر
 بشد شیطان پس خر گشت پنهان
 چها او کرد ابا قومان فرعون
 از آن تشنیع های امتانیش

ز زیبایی و عقل و زینت و سر (شاهین تورات: ۲۶)
 به دستان دمب‌خر بگرفت شیطان (شاهین تورات: ۴۷)
 چگونه غور کرد در بحث قارون (شاهین تورات: ۷۹۵)
 پریشان بود روح و جسم و جانش (شاهین تورات: ۷۹۷)

(ج) به کار بردن «مر» به عنوان نشانهٔ مفعول:

که ایزد در ازل فرموده بودش
 پیوشاندی به فرزند خود آن را

مر این اسرارها بنموده بودش (شاهین تورات: ۷۹۷)
 مر آن تشریف‌های بی‌کران را (شاهین تورات: ۸۰۰)

(د) به کار بردن «مر» در غیر مورد مفعول:

دکتر محمد جعفر محبوب در کتاب «سبک خراسانی در شعر فارسی» خاطر نشان کرده اند که «معمولاً مر به منظور تأکید، قبل از مفعول صریح می‌آید... اما در شعر این روزگار به موارد نادر و معدود بر میخوریم که در آن «مر» به ناموضع استعمال شده است... در شعر شاعرانی مانند فردوسی، ابوالفرج رونی و جمال الدین عبدالرزاق نیز نظایر این استعمال‌ها را مییابیم» (صص ۲۶۶-۲۶۷):

مر این هر دو با رستم نامدار
 با نام سخاوت تو بشکست

شب و روز بودند همراز و یار (فردوسی)
 مر حاتم و معن و آل برمک (ابوالفرج رونی)
 در شاهین تورات:

مر آن کروبیان چون برق دردم
 چو بردندش چنان تا طارق طوق

جهیدند هر چار از حکم اکرم (شاهین تورات: ۷۷۸)
 مر آن کروبیان با خنده و ذوق (شاهین تورات: ۷۸۶)
 پران شد بر فضای چرخ اخضر (شاهین تورات: ۱۰)

ز روی آب دریا مرغکی مر

(ه) به کار بردن فعل جمع برای «هیچ کس»:

جمع آوردن فعل برای «هیچ کس» از نوادر کاربردهاست که در سخن متأخران و متوسطان به نظیر این مورد بر نمیخوریم (محبوب، ۱۳۴۵: ۵۱-۵۲). نمونه‌ای از این کاربرد در شعر ابوالعباس مروزی:

«به جای مشک نبویند هیچ کس سرگین
 و اما نمونهٔ آن در شاهین تورات:

بمردند هر یکی زیشان به هر سوی
 ندیدند ملک کنعان هیچ کس روی (شاهین تورات: ۷۹۸)

و) آوردن واو عطف در آغاز بیت یا مصراع دوم آن:

در شعر سبک خراسانی:

«یکی آنکه بر تو چنین گشته‌ام
و دیگر که از تو مگر کردگار
«الا تا باد نوروژی بیاراید گلستان را
در شاهین تورات:

روان شد پیش بایش دیده گریان
بنی یعقوب را در ملک کنعان
و ز آنجاشان پریشانی دهد باز
و زان جانب نبی از قلّه کوه

ز) استعمال کلمات با حرف زاید:

در شعر سبک خراسانی:

«آخر دیری نماند استمگران
«نشسته برش زال با داغ و درد
در شاهین تورات:

اشکنج:

بسا دل‌ها که در اشکنج بودی (شاهین تورات: ۸۰۲)
اگر گنج جهان بی رنج بودی
اشمار:

پدید آورده او از عدل کردار (شاهین تورات: ۸۱۲)
دعا کردش خدای لیل و انهار
که باشد نسل تو بیرون ز اشمار (شاهین تورات: ۳۸)
انواخت:

در آن روضه ورا مأوا و جا ساخت (شاهین تورات: ۳۹)
به لطف و جود خود او را حق انواخت

نتیجه:

منظومه شاهین تورات را میتوان نمونه سبک خراسانی در قرن هفتم و هشتم هجری دانست. برخی از مشخصات سبکی این اثر که در این مقاله به آنها اشاره شده، از این قرار است: کاربرد واژه‌های کهن یا عبرانی، کاربرد خلاف قیاس واژه‌ها (اسم در معنای صفت)، کاربرد واژه‌ها در معنایی تازه، به کار بردن مصادر صناعتی، شناسه «یمان» و «یتان»، کاربرد صیغه مضارع «شایستن» و «بایستن»، آوردن ضمیر منفصل شخصی برای غیر ذی روح، جا به جایی ضمیر متصل اضافه، آوردن ضمیر متصل به جای حرف اضافه و متمم، به کار بردن ضمیر متصل به جای ضمیر منفصل مفعولی، آوردن دو حرف اضافه برای یک متمم، جمع به «ان» برخلاف قیاس، به کار بردن «مر» در غیر مورد مفعول و ...

اگرچه این منظومه در فصاحت و بلاغت و زیبایی کلام، به پای هیچ یک از آثار درجه یک زبان و ادبیات فارسی نمیرسد اما نه تنها برای جامعه کلیمیان ایران گنجینه‌ای ارزشمند است، بلکه بخوبی میتواند آئینه بازتاب فرهنگ و زبان قومی و ملی ایران در قرن هفتم و هشتم هجری باشد و از این نظر هم، شایسته بررسی بیشتر است؛ بنابراین غور و تأمل بیشتر درباره این اثر میتواند نکته‌های ظریف و ارزشمندی از زبان و گویشهای مردم ایران را روشن کند و ویژگیهای برجسته‌ای را از سبک نظم فارسی در قرنهای هفتم و هشتم نشان دهد. امیدواریم این مقاله توانسته باشد برای شناساندن این اثر به جامعه ادبیات، گام مؤثری بردارد و پژوهشهای بعدی نتیجه این نوشتار را تکمیل و تصحیح کند.

قدردانی

لازم است در پایان از دوست خوبمان، آقای پیمان علی‌یاری، که در این راه ما را یاری کردند و بسیاری از منابع و مآخذ را سخاوتمندانه در اختیار ما قرار دادند صمیمانه سپاسگزاری کنیم. از خداوند برای ایشان سلامتی و بهروزی میطلبیم. نیز از آقای کیارش یشایائی، که بخشهایی از این مقاله را از نظر گذراندند و ما را از نظریات ارزشمند خویش بهره‌مند ساختند، متشکریم. باشد که خداوند یاریگری ایشان را از جانب خویش پاداش دهد.

فهرست منابع:

- ۱- اسموسن، یس. منتخبی از واژگان فارسی‌یهود سفر پیدایش تورات واتیکان. ترجمه هایدیه سهیم. در پادیاوند (۱۹۹۶)، ج ۱. لس آنجلس: شرکت کتاب.
- ۲- تبریزی، محمد حسین بن خلف. (۱۳۷۶). برهان قاطع. محمد معین. تهران: امیرکبیر.
- ۳- شاهین. (۱۹۹۹). شاهین تورات. به کوشش منوچهر خوبان. لس آنجلس: شرکت کتاب.
- ۴- لازار، ژیلبر. (۱۹۶۸). گویش‌شناسی فارسی‌یهود (برگردان کوتاه از *la dialectology Judeo-Persan*). در پادیاوند (پژوهش‌نامه یهود ایران). به کوشش امنون نتصر. ج ۱. (۱۹۹۶). لس آنجلس: مزدا.
- ۵- محبوب، محمد جعفر. (۱۳۴۵). سبک خراسانی در شعر فارسی. تهران: فردوسی.
- ۶- المسیری، عبدالوهاب. (۱۳۸۳). دایره المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم. ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه. ج ۴، ۳، ۵. تهران: دبیر خانه کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه فلسطین.
- ۷- مشکور، محمد جواد. (۱۳۶۹). خلاصه ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ. تهران: شرق.
- ۸- نتصر، امنون. سیری در تاریخ یهود ایران. در پادیاوند. (۱۹۹۶). لس آنجلس: شرکت کتاب. ج ۱. صص ۱-۳۹.
- ۹- نتصر، امنون. سیری در ادبیات یهود ایران. در پادیاوند. (۱۹۹۶). لس آنجلس: شرکت کتاب. ج ۱. صص ۴۱-۱۱۴.
- ۱۰- ربیعی، منیژه. (۱۳۸۴). آفرینندگان فارسی‌یهود. وب سایت انجمن کلیمیان تهران. <http://www.iranjewish.com/Essay/Essay119-27-7.htm>
- ۱۱- نغزگوی کهن، مهرداد. (۲۰۰۹). فارسی_یهودی. وب سایت مجله بخارا. <http://www.bukhara-magazine.com/?p=521>